

بازتاب زندگی روزانه در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان

محسن معصومی^۱
محمد عباسی^۲

چکیده

تاریخ‌نگاری فارسی در دکن در دوره سلطنت بهمنیان آغاز و در دوره جانشینان آنها رونق یافت و در دوره آصف‌جاهیان / نظام‌های حیدرآباد دکن (حک. ۱۱۳۷-۱۳۶۷) رواج بیشتری یافت. افزون بر توجه به تاریخ سیاسی، یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری فارسی در این دوره، توجه به جنبه‌های مختلف زندگی روزانه مردم بود. بیشتر تواریخ فارسی این دوره، گزارش‌های دقیقی از آداب و رسوم و زندگی روزانه مسلمانان ارائه کرده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که تواریخ فارسی دکن، از حیث موضوع‌های گوناگون مرتبط با زندگی روزانه چه اهمیت و اعتباری دارند؟ در نوشتار حاضر، اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده زندگی روزانه در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان، در بخش‌های آیین‌های ماه محرم، جشن‌ها و اعیاد مذهبی، دینی و غیردینی، تفریحات و سرگرمی‌ها و خوراک و پوشاک مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شد که در منابع این دوره افزون بر آیین‌های مذهبی، تفریحات، سرگرمی‌ها، خوراک و پوشاک نیز انعکاس یافته است. همچنین در منابع این دوره به سبب شیعه بودن برخی سلاطین دکن آداب و مناسک شیعی نیز بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌ها: آصف‌جاهیان، تاریخ‌نگاری فارسی در دکن، زندگی روزانه، سلاطین دکن.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). mmassumi@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی. mo.abbasi@rch.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۱۸

حملات مسلمانان به دکن (جنوب هند) در دوره سلطان علاءالدین خلجی (حک. ۶۹۵-۷۱۵) و به فرماندهی ملک کافور، از فرماندهان نظامی او، آغاز شد. وی تا جنوبی‌ترین منطقه دکن یعنی سواحل مالابار تا مَعْبَر پیش رفت و بسیاری از حاکمان محلی را خراجگزار دهلی کرد. پس از سلطان علاءالدین خلجی، محمد بن تغلق (حک. ۷۲۵-۷۵۲) به قصد ضمیمه کردن جنوب هند به قلمرو خویش و تأسیس حکومتی مسلمان در آن منطقه به جنوب هند لشکر کشید و تمام سرزمین دکن را تحت سلطه خویش درآورد. در دهه پایانی حکمرانی محمد تغلق، قلمرو وی میان حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل تقسیم شد. یکی از این حکومت‌ها، سلسله بهمنیان (حک. ۷۴۸-۹۳۴) بود. حکومت بهمنیان به دلیل بروز اختلافات شدید میان سرداران و امیران، دچار ضعف شد و در نهایت به پنج حکومت کوچک بریدشاهیان در بیدر (حک. ۸۹۲-۱۰۲۸)، عادل‌شاهیان در بیجاپور (حک. ۸۹۵-۱۰۹۷)، نظام‌شاهیان در احمدنگر (حک. ۸۹۵-۱۰۴۸)، عمادشاهیان در برار (حک. ۸۹۶-۹۸۲) و قطب‌شاهیان در گُلکنده و حیدرآباد (حک. ۹۱۸-۱۰۹۸) تقسیم شد. بهمنیان و جانشینان آنها به نام «سلاطین دکن» نیز مشهورند. قلمرو جانشینان بهمنیان به تدریج جذب قلمرو وسیع بابریان (حک. ۹۳۲-۱۲۷۳) شد. بعد از سقوط سلسله قطب‌شاهیان در حیدرآباد، بابریان در ۱۱۳۷ یکی از سرداران سپاه خود به نام میرقمرالدین نظام الملک آصف‌جاه را، به عنوان «صوبه‌دار»^۱ دکن انتخاب کردند. او با فتح دکن در همین سال سلسله آصف‌جاهیان را تأسیس کرد که ده تن از سلاطین آنان حدود ۲۳۴ سال بر حیدرآباد حکمرانی کردند. سلاطین دکن و آصف‌جاهیان، همگی از مشوقان و مروّجان زبان فارسی بودند، از این‌رو، بسیاری از شعرا و پارسی‌گویان ایرانی و برخی از مورخان فارسی زبان هند شمالی برای برخورداری از حمایت‌های آنها راهی دکن شدند. کتاب‌هایی که در این دوره به زبان فارسی در حوزه‌های تاریخ، تصوف، شعر و علوم ادبی نوشته شده، گواه روشنی بر رونق زبان فارسی در دکن است (Nazir Ahmad, 2/75-115). شمار زیادی از

۱. تقریباً معادل استاندار کنونی.

این آثار تاکنون چاپ نشده است و در کتابخانه‌ها و موزه‌های هند به ویژه کتابخانه آصفیه و موزه و کتابخانه سالار جنگ در حیدرآباد دکن نگهداری می‌شود.

تاریخ‌نویسی فارسی از دوره بهمنیان رایج شد، اما تواریخ نگاشته شده در این دوره جز تعداد اندکی، همگی مفقود شده‌است و اطلاعات ما درباره تاریخ دکن در این دوره بیشتر مبتنی بر تاریخ‌هایی است که در دوره جانشینان بهمنیان نوشته شده‌است (معصومی، ۷، ۱۰-۱۱). در این دوره، سنت تاریخ‌نویسی فارسی در پایتخت‌های سلاطین دکن، به‌ویژه در گلکنده و حیدرآباد و بیجاپور ادامه یافت (Nazir Ahmad, Ibid). در دوره آصف‌جاهیان نیز به‌رغم رواج تاریخ‌نویسی اردو و انگلیسی، تاریخ‌نویسی فارسی همچنان ادامه داشت. در دوران قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان و آصف‌جاهیان بیشترین آثار تاریخی به زبان فارسی نوشته شده‌است و در دوران عمادشاهیان و بریدشاهیان و نظام‌شاهیان تاریخ‌نگاری فارسی کمتر مورد توجه بود و تاریخ این سلسله‌ها بیشتر در کتاب‌هایی که در بیجاپور و حیدرآباد نوشته شده، مانند کتاب گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته، نوشته محمد قاسم هندوشاه استرآبادی معروف به فرشته، آمده‌است و کتاب برهان مآثر، نوشته سید علی بن عزیز الله طباطبا نیز، اگرچه درباره تاریخ سلسله نظام‌شاهیان است، اما نویسنده بیشتر به تاریخ سلاطین بهمنی پرداخته‌است.

بیشتر تواریخ فارسی دکن توجه نسبتاً زیادی به جنبه‌های مختلف تاریخی اجتماعی داشته‌اند، در حالی که در تواریخ فارسی دیگر مناطق هند، مثلاً هند شمالی و مرکزی این رویکرد، کمتر دیده می‌شود و بیشتر به تاریخ سیاسی توجه شده‌است. مورخان دکن چون میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله صاعدی شیرازی، خان‌زمان‌خان دهلوی، عبدالعلیم نصرالله‌خان خیشکی احمدی خورجوی و منسارام خوشابی، وصف دقیقی از زندگی روزانه مسلمانان و هندوان ارائه داده‌اند که در دیگر منابع یافت نمی‌شود. در این نوشتار سعی شده‌است تا شماری از مهمترین تواریخ معتبر فارسی از حیث بازتاب زندگی روزانه، مورد بررسی قرار گیرد. این آثار عبارت است از: تاریخ قطب‌شاهی یا تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه، از نویسنده‌ای ناشناس که به دستور سلطان محمد قطب‌شاه (حک. ۱۰۲۰-۱۰۳۵) در ۱۰۲۶ق، با موضوع تاریخ قطب‌شاهیان نوشته شده-

است. حدیقه السلاطین قطب‌شاهی، نوشته میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله صاعدی شیرازی به درخواست محمد بن خاتون در ۱۰۳۵ نوشت و جزئیات حوادث مربوط به دوران عبدالله قطب‌شاه (حک. ۱۰۳۵-۱۰۸۳)، را به شیوه سال‌شمار تا پایان ۱۰۳۵ با نثری ساده وصف کرده‌است (صاعدی شیرازی، ۳). رساله دربار آصفیه یا قانون دربار آصفیه، نوشته منسارام خوشابی، در زمان میرنظام علی‌خان آصف‌جاه دوم (حک. ۱۱۷۵-۱۲۱۸) و در ۱۱۷۵ با موضوع تاریخ آصف‌جاهیان تنظیم شده‌است. تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین، نوشته میرزا ابراهیم زبیری، در حدود ۱۲۲۶ در تاریخ عادل‌شاهیان است. گلزار آصفیه، نوشته خواجه غلام‌حسین ملقب به خان‌زمان خان دهلوی (۱۱۹۹-۱۲۶۰) مربوط به سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۰ و درباره تاریخ قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان است. تاریخ دکن، نوشته عبدالعلیم نصرالله‌خان خیشکی احمدی خورجوی در ۱۲۸۵ با موضوع تاریخ آصف‌جاهیان به نگارش درآمده‌است.

پیشینه تحقیق

در دوران معاصر، محققان بسیاری به مطالعه برخی آیین‌ها و آداب و رسوم مسلمانان دکن پرداخته‌اند. از میان آن‌ها، سه اثر صادق نقوی،^۱ استاد گروه تاریخ دانشگاه عثمانیه حیدرآباد دکن و از محققان برجسته مسلمان هندی، به زبان انگلیسی حائز اهمیت است؛ کتاب نهادهای دینی مسلمانان و نقش آن‌ها در دوره قطب‌شاهیان،^۲ رساله دکتری او در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد بوده‌است. در این کتاب به نهادهای دینی مسلمانان چون مساجد، درگاه صوفیان و عاشورخانه‌ها توجه شده‌است. او در فصلی جداگانه به برخی از عاشورخانه‌های دوران قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان پرداخته‌است و تاریخ تأسیس و نام مؤسس عاشورخانه‌ها، علم‌های عاشورخانه‌ها و برخی آداب و رسوم رایج در آن‌ها را شرح داده‌است. وی در این بخش اطلاعات بسیار مهمی راجع به شرکت هندوان در آیین‌های ماه محرم دارد. در فصل پایانی این کتاب به برخی آیین‌ها و آداب و رسوم دینی و غیردینی مسلمانان توجه شده‌است. وی به جشن نوروز، جشن «مراگ»، عید قربان، عید غدیر، عید فطر، «مولد النبی ﷺ» و شب برات نیز پرداخته‌است. او بیشتر اطلاعات

1 . Sadiq Naqvi

2 . Muslim Religious Institutions and Their Role Under The Qutb Shahs

خود در خصوص این آیین‌ها و آداب و رسوم را از دیوان شعر محمدقلی قطب‌شاه و عبدالله قطب‌شاه که هر دو به زبان دگنی (اردو قدیم) است، برداشت کرده‌است و از برخی منابع فارسی دوران قطب‌شاهیان که به این آیین‌ها توجه کرده‌اند، مانند حدیقه‌السلطین قطب‌شاهی یا تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه و دیگر تواریخ مهم در این دوره که حاوی برخی مطالب مهم درباره این آیین‌ها هستند، غافل مانده‌است. وی درباره نام برخی خوراک‌ها و وجه تسمیه برخی عاشورخانه‌های دکن نیز دچار اشتباه شده‌است. اثر دیگر او، سهم آفاقی‌های ایرانی در دوران سلطنت قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان^۱ نام دارد. او در این کتاب به برخی عاشورخانه‌ها و علم‌های حیدرآباد در دوره قطب‌شاهیان اشاره کرده‌است. این اثر جز مواردی اندک، فرق چندانی با اثر اول او در زمینه آیین‌های ماه محرم و عاشورخانه‌ها و علم‌ها ندارد، بلکه نویسنده بیشتر سعی کرده‌است در این اثر جدید، مطالب را خلاصه‌تر کند و نقش آفاقی‌ها در تأسیس برخی عاشورخانه‌ها و برپایی علم‌ها را نشان دهد و پیچیدگی‌هایی را که در فهم برخی از مطالب کتاب اولش بوده‌است، حل کند. از ویژگی‌های مهم این کتاب، پرداختن به برگزاری آیین‌های ماه محرم در بیجاپور در دوره عادل‌شاهیان است؛ زیرا منابع دوره عادل‌شاهیان چندان به این آیین‌ها توجه نکرده‌اند. مقاله آیین‌های ماه محرم میان غیر مسلمانان در دوران قطب‌شاهیان^۲ که در مجموعه مقالاتی با عنوان «آیین‌های ماه محرم میان غیر مسلمانان آندهر/پرادش»^۳ چاپ شده از دیگر آثار مهم اوست. نقوی در این مقاله، تأثیر برخی از آیین‌های رایج میان هندوان در مراسم ماه محرم و شرکت آنان در این مراسم را توضیح داده‌است. از ویژگی‌های بسیار مهم این مقاله، استفاده نویسنده از منابع «تِلگو» است.

تفاوت اصلی این پژوهش، با تحقیقات جدید فوق، در این است که مقاله حاضر، می‌کوشد با رویکردی توصیفی-تحلیلی بازتاب عناصر تشکیل دهنده زندگی روزانه مسلمانان را در تواریخ فارسی دکن، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این نوشتار، به بخشی از زندگی روزانه مسلمانان در تواریخ فارسی دکن نظیر

1 . The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms

2 . The Muharram ceremonies among the Non- Muslims during the Qutb Shahi period

3 . The Muharram ceremonies among the non- muslims of Andhra Pradesh

آیین‌های محرم، جشن‌ها و اعیاد مذهبی، دینی و غیردینی، تفریحات و سرگرمی‌ها و خوراک و پوشاک پرداخته می‌شود.

الف). آیین‌های محرم

یکی از موضوع‌های زندگی روزانه که در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف جاهیان بسیار به آن پرداخته شده، مراسم عزاداری ماه محرم است. پیشینه برگزاری این آیین‌ها، به دوره سلطنت بهمنیان باز می‌گردد. در این دوره، تحت تأثیر سید محمد خواجه بنده‌نواز گیسودراز حسینی، خواندن اشعاری درباره شهادت امام حسین علیه السلام در میان مردم در خانقاه‌های چشتیه در گلبرگه رایج شد و بعد از انتقال پایتخت بهمنیان از گلبرگه به بیدر، خانقاه‌های نعمت‌اللهی سبک عزاداری ایرانیان را در ایام ماه محرم در دکن پیروی کردند و برخی از سلاطین و وزیران بهمنی که ارادت ویژه‌ای به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند در این آیین‌ها شرکت کردند (Sherwani, 1/222; Rizvi, 2/334). یکی از این افراد خواجه عمادالدین محمود گاوآن، از وزاری مشهور ایرانی در دربار بهمنیان بود که در دهه اول ماه محرم بسیاری از علمای ایرانی و عراقی را برای شرح و روایت واقعه کربلا به این مجالس فرا می‌خواند (Howarth, 10). بعد از تأسیس حکومت عادل‌شاهیان در بیجاپور، یوسف عادل‌شاه (حک. ۸۹۵-۹۱۶)، بنیان‌گذار این سلسله، برای نخستین بار، تشیع را در دکن مذهب رسمی اعلام کرد و اذان و خطبه شیعی در دکن رایج شد. گرایش‌های شیعی عادل‌شاهیان، آنان را به برگزاری آیین‌های عزاداری در ماه محرم در بیجاپور سوق داد، اما مورخان این دوره، جزئیات برگزاری آن را ثبت نکرده‌اند و آگاهی‌های ما درباره آن بسیار اندک است و اغلب اطلاعات ما محدود به منابع دوره قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان است.

نخستین آگاهی‌های ما درباره آداب و رسوم مسلمانان دکن در ماه محرم، مدیون کتاب تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه است. اطلاعات این کتاب درباره مراسم ماه محرم، اگرچه اندک است، اما گزارش‌هایش درباره پوشیدن «سراپائی»، لباس سیاه رنگ مخصوص عزاداری در ایام محرم، «زَرعاشوری»، مبالغ نقدی که هر ساله پس از پایان ماه محرم به فقرا، سادات و علما داده می‌شد و همچنین درباره نحوه ساخت و چراغانی

«پادشاهی عاشورخانه»^۱، بسیار با اهمیت است به نحوی که این اطلاعات، از سوی برخی مورخان پس از او چون صاعدی شیرازی مورد استفاده قرار گرفت. حدیقه السلاطین قطبشاهی نیز، از درجه اهمیت بالایی از نظر توجه به زندگی روزانه به ویژه مراسم عزاداری ماه محرم برخوردار است. این کتاب مهم‌ترین مرجع برای مطالعه اوضاع اجتماعی مسلمانان دکن است و به جرئت می‌توان آن را «شاهکار تاریخ اجتماعی در دکن» نامید؛ چرا که علاوه بر پرداختن به دیگر موضوع‌های زندگی روزانه، مراسم عزاداری را با ذکر جزئیات دقیق شرح داده‌است و حتی فصلی مجزا با عنوان «ذکر ماتم و تعزیه داشتن شهادت حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثنا» دارد. صاعدی شیرازی عمده اطلاعاتش درباره پادشاهی عاشورخانه را از کتاب تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه گرفته‌است اما گزارش‌های جالبی درباره مراسم عزاداری صبح هفتم محرم، شب نهم محرم و صبح روز عاشورا در این عاشورخانه دارد که در هیچ یک از تواریخ نیامده‌است. از دیگر امتیازات این کتاب، گزارش او درباره حضور هندوان در مراسم عزاداری و انگیزه و اهداف آنان از شرکت در این آیین است. وی درباره یکی از دلایل حضور هندوان در مراسم عزاداری ماه محرم گوید:

«جمعی از طبقات مسلمان و کافر که ابواب بخت نصیب بر روی تعیش و زندگانی ایشان مسدود مانده قفل‌ها بر لبان و دهان خود می‌زنند و در برابر ایوان آلاوه^۲ به نهایت خضوع و غایت خشوع مسألت فتوحات می‌نمایند. در شب دهم محرم آن قفل‌ها از لبان و دهان ایشان به‌خودی‌خود گشوده و این صورت عجیب از کرامت روح مقدس حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثنا مشهور و منظور آشنا و بیگانه ملت و مذهب می‌گردد و در آن سال ابواب کامرانی بر وجنات زندگانی ایشان مفتوح می‌شود»

۱. از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عاشورخانه‌های قطب‌شاهیان در حیدرآباد است که ساخت آن در دوره محمدقلی قطب‌شاه (حک. ۹۸۸-۱۰۲۰) و در ۱۰۰۱ شروع شد و در ۱۰۰۵ با صرف هزینه زیاد پایان یافت.

۲. در حیدرآباد، آیین‌های ماه محرم در مکان‌هایی به نام «عاشورخانه» یا «الاه» برگزار می‌شد. الاه به معنی آتش یا آتش‌بازی و در اصل به گودال‌های مدوری گفته می‌شد که درون عاشورخانه‌ها ساخته می‌شد و گاهی دور آن را با آجر حصار می‌کشیدند. در ایام ماه محرم درون این الاه‌ها آتش روشن می‌کردند و عزاداران با در دست داشتن چوب یا شمشیر دور آن حصار می‌چرخیدند و فریاد «یاعلی یاعلی» «شاه‌حسین شاه‌حسین» سر می‌دادند (برای آگاهی بیشتر درباره الاه نک: Jaffur shurreef, 173- 174; Naqvi, The Iranian Afaquies

(صاعدی شیرازی، ۵۸).

برخی از آیین‌های عزاداری رایج میان مسلمانان و امداد آداب محلی هندوان بود. برگزاری مراسم لنگر، یکی از این آیین‌ها به‌شمار می‌آید که تأثیر آداب محلی بر آن آشکار و ملموس است (Naqvi, Muharram Ceremonies among the Non-Muslims). during the Qutb Shahi period, 8 قطب‌شاه بازمی‌گردد. در منابع آمده‌است فیلی که عبدالله قطب‌شاه بر آن سوار بود، وی را به مدت چند روز در جنگل می‌چرخاند و از حرکت باز نمی‌ایستاد. پس از اینکه حیات‌بخشی بیگم، مادر سلطان عبدالله قطب‌شاه، از این حادثه با خبر شد، نذر کرد که در صورت رهایی پسرش، لنگری (زنجیر یا افسار) طلا هم‌وزن لنگر فیل به «عاشورخانه حسینی عَلم»^۱، ببرد و آن را میان فقرا تقسیم کند. پس از رهایی سلطان، وی لنگری طلا به همراه شربت به آن عاشورخانه برد و میان فقرا تقسیم کرد. بعد از آن دوران، سلاطین، درباریان و عموم مردم هر ساله از پنجم تا نهم محرم، آیینی به نام مراسم لنگر را در عاشورخانه حسینی عَلم برگزار کردند. آن‌ها لنگرهایی از طلا یا نقره و یا تنها شاخه‌های گل را بر کمر کودکان می‌بستند و به این عاشورخانه می‌آمدند (خانزمان خان، 43-41؛ Law, 5). به‌نظر می‌رسد این مراسم تنها در این عاشورخانه برگزار می‌شد و در دیگر عاشورخانه‌ها و یا جاهای دیگر حیدرآباد مرسوم نبوده‌است (خانزمان خان، 43؛ Law, 7). صاعدی شیرازی تأثیر آداب محلی هندوان بر این آیین را چنین وصف می‌کند:

«رسوخ عقیده این جماعت بیگانه ملت آشنا سیرت به‌مرتبه‌ایست که ازواج و نسوان و دختران و پسران، اغنیا و فقیران ایشان در ایام عاشورا غسل کرده کسوت پاکیزه پوشیده سبوه‌های شربت قند و شکر بر سر خود گذاشته برابر ایوان الاوه می‌آیند و شربت بخادمان آنجا قسمت می‌نمایند» (صاعدی شیرازی، همانجا). وی همچنین گزارش مهمی درباره منهیات ماه محرم و پرهیز مسلمانان و هندوان از برگزاری جشن و شادی

۱. این عاشورخانه در دوره محمدقلی قطب‌شاه ساخته شده‌است و مهم‌ترین و مقدس‌ترین عَلم حیدرآباد در این عاشورخانه نگهداری می‌شد و شیعیان بر این باور بودند که شمشیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) بر این عَلم نصب شده‌است (بلگرامی، ۶۳-۶۴).

و خوردن برخی خوراکیها دارد. گزارش او نشان می‌دهد که منهیات ماه محرم بیشتر از سوی حاکمیت و با فرمان حکومتی به اصناف مختلف اجتماعی ابلاغ می‌شد و آنان موظف به اجرای آن بودند. وی می‌نویسد:

«و امر جهان مطاع بجمیع ممالک محروسه صادر فرمایند که در نقاره خانهای فلک رفعت دست از نوازش کوس و نقاره و طبل و دمامه باز دارند و ارباب ساز و نغمه، آلات صنعت خود در غلاف کرده از ارتکاب عمل خود مجتنب باشند و بجمیع خوان سالاران و چاشنی گران حکم معلی شرف نفاذ یابد که در مطبخ خاص و عام مطبخیان و باورچیان ادخال لحوم در اغذیه و اطعمه خاصه و خرجی نمایند و در بازار و محلات حکم فرمایند که دکاکین تاری و سندی و بنگ و مغیرات حرام و حلال در ایام عاشورا ببندند و قصابها قنارها از بازار بردارند و تنبولیان تنبول نفروشند و کسی مباشر خوردن گوشت و تنبول نشود و حجامان در حمامات سر نتراشند و کیسه نمالند. بالجمله جمیع تکلفات و لذات محرمه و مباحه متروک و ممنوع می‌باشد و احکام مذکوره بر جمیع مسلم و کافر و طبقات انام در این ایام غم انجام، در ممالک محروسه جاری می‌دارند» (همان، همانجا).

یکی دیگر از آثار پراهمیت درباره مراسم عزاداری ماه محرم، کتاب گلزار آصفیه، نوشته خانزمان خان دهلوی است. اطلاعات او در زمینه آیین‌های ماه محرم در دوره آصف جاهیان بسیار دقیق و منحصر به فرد است و نویسنده برای این آیین‌ها، عنوان «ذکر عشره محرم الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد» گذاشته است. خانزمان خان گزارش‌های کمیابی از تاریخ تأسیس و نام مؤسس عاشورخانه‌ها و همچنین آیین‌های رایج در آنجا و باورهای عامه مردم درباره برخی از عاشورخانه‌های حیدرآباد دکن به ویژه عاشورخانه کوه مولاعلی علیه السلام^۱ و عاشورخانه حسینی عَلم دارد. وی همچنین نخستین کسی است که روایت تاریخ برگزاری مراسم لنگر در دوره عبدالله قطب‌شاه را

۱. کوه مولاعلی علیه السلام در اطراف شهر حیدرآباد و در نزدیکی روستایی به نام ملکاجگیری قرار دارد و برای مسلمانان کوهی مقدس به شمار می‌آمد. براساس اعتقاد عامه مردم، اثر پنجه حضرت علی علیه السلام بر روی سنگی بر بالای آن کوه حک شده است. در دوره ابراهیم قطب‌شاه، به احترام آن اثر پنجه، عاشورخانه‌ای در آنجا ساخته شد و در دوره آصف جاهیان نیز عاشورخانه‌های دیگری به آن اضافه شد (خانزمان خان، ۵۴۹-۵۵۹).

در کتابش آورده و به تفصیل آن را توضیح داده است. کتاب خانزمان‌خان اطلاعات بسیار مهمی در زمینه «آیین فقیرشدن» نیز دارد. در این آیین، افراد لباس‌های گوناگون برتن می‌کردند و در نقش‌های متفاوتی ظاهر می‌شدند. گاه نیز خود را به حیوانات، شبیه می‌کردند (Jaffur shurreef, 189; Naqvi, Muharram Ceremonies among the Non-Muslims during the Qutb Shahi period, 8).

به‌نوشته خانزمان‌خان: «قریب دوصد جوق^۱ جوانان و طفلان گهگری^۲ و اله‌ها فقیر می‌شوند یعنی به لباس و رنگ مختلف بست بست^۳ کس از هر محله برمی‌آیند که در دست همه‌ها گهگری‌ها می‌باشد مانند زنگوله‌های خرد مدور که از آن آواز برمی‌آید و یک سبوجه‌های برنجی را زنگوله‌های خرد بسته موافق لهجه سرود خود برمی‌گردانند و ابیات چند در مدح احوال شهدا می‌خوانند و فیما بین اینها نیز تقید لباس و رنگ است که دیگری به آن رنگ بر نه‌آید (خانزمان خان، ۵۶۴)».

آیین «تعزیه‌برداری/ تعزیه داری» میان مسلمانان هند به ویژه دکن بسیار رونق داشت و هر ساله در ایام ماه محرم برگزار می‌شد. در شبه‌قاره هند، لفظ تعزیه با وجود ارتباط با مصائب شهدای کربلا، به معنای «شبیه خوانی» به کار نمی‌رود بلکه آنان تعزیه را به مراسمی نمادین اطلاق می‌کنند که در آن دسته‌های عزاداری در طول مراسم، شبیه ضریح یا تابوت امام حسین (علیه السلام) را بر دوش می‌کشند (صاعدی شیرازی، ۵۲-۵۳؛ Rizvi, 2/349؛ Hollister, 166). در دکن تابوت‌ها را به‌طور نمادین و به یاد امام حسین (علیه السلام) و خاندانش می‌ساختند و در بعد از ظهر روز عاشورا بیرون می‌آوردند. ضریح امام حسین (علیه السلام) و خاندانش، نوعی از تعزیه و نمادی از آرامگاه ایشان بود (صاعدی شیرازی، ۵۲، خانزمان خان، ۱۹۲، Rizvi, 2,349). این ضریح‌ها معمولاً از نقره، بامبو و کاغذ و در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شد و در ساخت ضریح امام حسین (علیه السلام)، حفظ شکل اصلی آن آرامگاه در کربلا مورد توجه قرار می‌گرفت. ضریح برخلاف تابوت‌ها که بعد از پایان تعزیه‌برداری دفن یا بر آب فرو برده می‌شد به‌طور ثابت در

۱. دسته یا گروه.

۲. این واژه ریشه هندی دارد و در زبان اردو به معنی دامن پرچین کوتاه است.

۳. ظاهراً منظور عدد بیست است.

عاشورخانه‌ها نگهداری و در ایام ماه محرم بیرون آورده می‌شد (خانزمان خان، ۱۹۲-۱۹۳، ۱۹۳، 1/31.32). (Meer Hasan Ali, 1/31.32). اطلاعات خانزمان‌خان درباره شکل ظاهری و آداب و رسوم مربوط به ضریح الاوه یتیمان که نمادی از آرامگاه دو طفل مسلم علیه السلام بود، بسیار در خور توجه است.

ب). جشن‌ها و اعیاد دینی

جشن نیمه شعبان یا سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، به «شبِ برات» مشهور بود. در این شب از انواع چراغ‌ها و روشنایی‌ها برای نورانی نگه‌داشتن شهر استفاده می‌شد و مردم در مجالس شادی، آتش‌بازی برپا می‌کردند، از این رو، این جشن به «جشن روشنایی‌ها» نیز مشهور است (Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs 243,273). در تواریخ فارسی سلاطین دکن، تنها کتاب حدیقه/السلطین قطب‌شاهی است که وصفی کامل و دقیق از آداب و رسوم مسلمانان در این شب، دارد. گزارش‌های این کتاب درباره آداب و رسوم مسلمانان در این جشن بسیار مهم است. او برخی از آداب، اعمال و اورادی را که مسلمانان به امید ثواب و تقرّب جستن به ذات مقدس خدای تعالی و تخفیف و آمرزش گناهان خود، انجام می‌دادند، برشمرده است، مانند خواندن نماز و ادعیه ویژه این شب، غسل کردن، ذکر صلوات، استغفار و دادن صدقه و خیرات. وی این مراسم را به جشن «دیپاوالی»/ «دیوالی» یا «جشن چراغ‌ها»ی هندوان تشبیه کرده است. هندوان، دیپاوالی یا جشن چراغ‌ها را به‌خاطر گرمی‌داشت و حرمت نهادن به کالی یا بهاوانی، از الهه‌های هندو برگزار می‌کردند. این جشن پنج روز ادامه می‌یافت و هندوان در این روزها خانه‌های خود را تمیز می‌کردند و آذین می‌بستند، لباس‌های نو می‌پوشیدند، زنان خود را می‌آراستند، دختران با آب گرم حمام می‌گرفتند. انواع خوردنی‌ها و شیرینی‌ها را می‌پختند و میان میهمانان و خویشاوندان خود پخش می‌کردند. آتش‌بازی هم از جمله شادی‌های آنان در این جشن بود. به گزارش صاعدی شیرازی، مسلمانان نیز در شبِ برات مانند هندوان خانه‌های خود را پاکیزه می‌کردند و برای روشنایی و آذین‌بندی آن چراغ‌های رنگی بسیاری به‌کار می‌بردند و در شب به آتش‌بازی می‌پرداختند. به‌نظر می‌رسد، آیین‌هایی که هندوان در جشن

دیپاوالی برگزار می‌کردند، بر آداب و رسوم مسلمانان در کیفیت برگزاری جشن شب برات تأثیرگذار بود (Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs, 243-244 Murdoch, 66-67).

یکی از مهم‌ترین تواریخ از حیث توجه به آداب و رسوم مسلمانان، کتاب تاریخ دکن، نوشته خیشکی احمدی خورجوی است. گزارش او درباره مقدار فطریه هر مسلمان و آداب پس از پرداخت فطریه، درخور توجه است. به‌نوشته او «فطره به حساب نصف صباغ گندم که دو سیر باشد او را ...^۱ کردیم. نرخ گندم امروز به یک روپیه چلنی^۲ هشت سیر و بالاست» (خیشکی احمدی خورجوی، ۳۶، ۳۳۳-۳۴۰). بعد از پرداخت فطریه و خواندن نماز عید، خطبه خوانده می‌شد و امیر یا سلطان مبلغی به خطیب می‌دادند. مسلمانان بعد از پایان این مراسم، برای تبریک عید و دید و بازدید به خانه یکدیگر می‌رفتند و برخی از آنان، به یمن این عید هدیه‌هایی را به یکدیگر می‌دادند. همچنین خیشکی روایت جالبی درباره تعداد روزهای تعطیل برای مسلمانان و هندوان در عید فطر دارد. به‌دلیل اهمیت و جایگاهی که این عید نزد مسلمانان داشت، تمامی مسلمانان به مدت سه روز تعطیل بودند، اما هندوانی که وظایف اداری و درباری برعهده داشتند باید در محل کار خود حاضر می‌شدند (همان، همانجاها).

یکی دیگر از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جشن‌های مسلمانان دکن، جشن تولد پیامبر ﷺ یا جشن «مولد النبی» بود که به‌دلیل هزینه‌های فراوان، با حمایت مالی سلاطین برگزار می‌شد. اطلاعات ما درباره چگونگی برگزاری این جشن، محدود به منابع دوره قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان به ویژه کتاب‌های تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه و حادیقه السلاطین قطبشاهی است. تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه گزارش‌های جالبی درباره رقص و آواز و استفاده از آلات موسیقی، چون تار و سوزاندن بخورات و همچنین استفاده از مشک و عنبر آمیخته به گلاب برای خوشبو کردن فضای جشن دارد و نخستین اطلاعات ما درباره جشن مولد النبی نیز برگرفته از این اثر است. حادیقه السلاطین قطبشاهی نیز از درجه اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که وی بیشتر

۱. افتادگی دارد.

۲. ظاهراً چاندی درست باشد که در زبان اردو به معنی نقره است.

آیین‌های مسلمانان دکن را در کتابش آورده و گاه با تفصیل شرح کرده‌است. گزارش او، درباره توقف برگزاری این جشن در دوره سلطان محمد قطب‌شاه^۱ (حک. ۱۰۲۰-۱۰۳۵) و از سرگیری آن در دوره عبدالله قطب‌شاه جالب توجه است (صاعدی شیرازی، ۵۹-۶۰).

مسلمانان در ذی‌الحجه، «عیدالأضحی» (عید قربان) یا «بقر عید» (جشن گاو) را جشن می‌گرفتند. کتاب تاریخ دکن از مهمترین تواریخ فارسی است که به وصف این جشن پرداخته است. گزارش‌های آن درباره ذبح حیوانات و تقسیم گوشت آنها میان مستمندان و خویشاوندان پراهمیت است. به روایت او، سلاطین و درباریان نیز هر سال در این روز، گوسفندهایی را برای قربانی کردن، به ملازمان، منشیان و مردم می‌دادند و به مناسبت عید قربان، مسلمانان (به غیر از هندوان) به مدت سه روز تعطیل بودند (خیشکی احمدی خورجوی، ۱۸۴، ۳۳۹-۳۴۰).

پ). جشن‌های غیردینی

«سالمگره» جشنی است که در سالگرد تولد کودکان (فرزندان سلاطین و نیز مردم عادی) یا خود سلاطین برگزار می‌شد. این جشن نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در بین هندوان نیز رواج داشت و مرسوم بود که در سالگرد تولد فرزندان خود، مجلس شادمانی برپا می‌کردند (یوسف حسین، ۱۰). تواریخ فارسی به ویژه کتاب *حذیقه السلاطین قطبشاهی* (۴۰-۴۴)، مفصل به آداب و رسوم مسلمانان در این جشن پرداخته و وصف دقیقی از ویژگی‌های ظاهری رقاصان و انواع زیورآلات و جواهرات و همچنین استفاده آنان از پان (برگ تنبول) برای سرخی لب‌ها و مالیدن حنا بر دستان دارد.

جشن «بسم الله خوانی»، جشن آغاز تحصیل و علم‌آموزی فرزندان پسر و دختر در

۱. محمد قطب‌شاه بین علما آموزش و تربیت یافته بود و تحمل تشریفات و اعمال تجمل‌آمیز این جشن را نداشت. به همین دلیل هزینه برگزاری جشن را هر سال بین علما تقسیم می‌کرد. با این حال پس از به سلطنت رسیدن عبدالله قطب‌شاه، همچون گذشته شادی و فزونی ضیافت‌ها به برگزاری این جشن بازگشت (برای آگاهی بیشتر نک. صاعدی شیرازی، ۵۹-۶۰؛ Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under

(the Qutb Shahs, : 221).

چهار یا پنج سالگی بود (عبدالجبارخان، ۱/ ۹۷-۹۸). کتاب تاریخ بیجاپور از مهمترین آثار فارسی است که اطلاعات جالبی درباره این آیین به دست داده و بر خلاف دیگر تواریخ فارسی که بیشتر به خوشگذرانی سلاطین در این روز پرداخته‌اند، به شیوه تعیین معلم برای آموزش خواندن و نوشتن به کودک و همچنین آموزش ورزش‌های پهلوانی، اسب دوانی، تیر اندازی و شمشیر بازی پرداخته‌است (زبیری، ۳۶۳).

از آیین‌های ویژه سلاطین دکن، مراسم و جشن تراشیدن محاسن سلطان، برای اولین بار بود. این مراسم بیشتر برای سلاطین کم سن و سالی که به تازگی و برای نخستین بار دارای محاسن شده بودند، برگزار می‌شد. شاید کتاب حدیقه/السلاطین قطبشاهی تنها اثری باشد که به تفصیل به این مراسم پرداخته و صفحاتی را به آن اختصاص داده‌است. گزارش‌های او درباره برپایی این جشن، چند روز پیش از تراشیدن محاسن سلطان، نحوه برگزاری مراسم و چگونگی تراشیدن محاسن سلطان با اهمیت و نادر است (صاعدی شیرازی، ۱۲۳-۱۲۸).

جشن عروسی مسلمانان که به جشن «کتخدایی»/ کدخدایی نیز مشهور بود (دفتر دیوانی و مال و ملکی سرکار عالی، ۲۲۵؛ حیدرآبادی، ۱۹۹)، آداب و آیین‌های متعددی داشت. برخی از این آداب پیش از مراسم «نکاح خوانی» و برخی دیگر بعد از آن برگزار می‌شد. آثار اندکی چون گلزارآصفیه به گزارش این آداب و رسوم پرداخته‌اند. این کتاب اطلاعات زیادی درباره آداب و رسوم جشن عروسی به ویژه مراسم «سانچق»/ «سانچق» دارد. این مراسم، اگرچه در زبان ترکی به معنی حنابندان است، اما مسلمانان دکن برای حنابندان مراسم جداگانه‌ای به نام «مهندی» داشتند. در دکن مراسم سانچق قبل از آیین نکاح خوانی و به صورتی بود که بستگان داماد به هنگام غروب، نقل و بادام، جواهرات و تزیینات عروس، لباس عروس و نظایر اینها را به سمت خانه عروس می‌بردند. خانزمان خان درباره این رسم می‌نویسد:

«چون رسم سانچق دختر خرد سلطان عبدالله به وقوع آمد ابوالحسن نیز به جناب ممدوح عرض حال خویش نمود که یا مولا امروز رسم سانچق به ظهور آمد آن حضرت فرمودند که خدام خانقه آبخوره‌های گلی را به طور سبوجه‌های سانچق با نقل و بادام و غیره پرکرده به کاغذ سرخ و زرد و سبز آراسته در صحن خانقاه بگردانند و بگویند که

این سانچق ابوالحسن است که به خانه عروس دختر سلطان عبدالله می‌رود (خانزمان خان، ۴۶).

ت). تفریحات و سرگرمی‌ها

مسابقات کشتی به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شد و یکی از تفریحات و سرگرمی‌های ویژه سلاطین، امرا و درباریان بود. گزارش کتاب *تاریخ بیجاپور* مسمی به *بساتین السلاطین* نوشته زبیری، درباره این مسابقات در دربار بهمنیان بسیار جالب و قابل توجه است. وی علاوه بر وصف اقبال مردم به این تفریح، گزارش‌های مهمی درباره آداب و رسومی که کشتی‌گیران پیش از نبرد انجام می‌دادند مانند سلام شاهی و مصافحه و کسب اجازه از استاد دارد (زبیری، ۱۲). کتاب *گلزار آصفیه* نیز یکی از مهم‌ترین آثاری است که به خوبی این نوع مسابقات را وصف کرده است. وی، علاوه بر وصف محل برگزاری مسابقه و نحوه زورآزمایی کشتی‌گیران با هم، به برخی فنون خاص کشتی‌گیران و همچنین هدایایی چون پول نقد و پوشاک، که به برندگان و بازندگان، داده می‌شد، پرداخته‌است.

شکار از دیگر تفریحات و سرگرمی‌های رایج میان سلاطین بود (خانزمان خان، ۵۰۱-۵۰۲). اطلاعات کتاب *گلزار آصفیه* درباره شکار نیز در خور توجه است. گزارش نویسنده درباره همراهی برخی از درباریان در مراسم شکار، به نام «پادامی» که گاهی تعداد آنها بسیار زیاد بود، بسیار اهمیت دارد. این افراد، جانوران شکاری چون باز، یوز و شاهین را با خود به شکارگاه می‌بردند و هریک از آنان مسئول نگهداری یکی جانوران شکاری بودند و هنگامی که سلطان جانوری شکار می‌کرد، آنجا حضور می‌یافتند و از سلطان انعام دریافت می‌کردند (خانزمان خان، ۵۰۷).

ث). خوراک و پوشاک

از بین تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان، کتاب‌های *حدیقه السلاطین قطب‌شاهی*، *گلزار آصفیه* و *رساله دربار آصفیه* اهمیت بیشتری درباره خوراک و پوشاک آیینی و غیرآیینی دارد. گزارش‌های صاعدی شیرازی، درباره خوراک‌های آیینی چون نان ریزه یا نان تکه‌تکه‌شده، کوفته، آش و پان (برگ تنبول) و همچنین شیوه پخت و

چگونگی مصرف آنها در بین طبقات مختلف اجتماعی بسیار مهم است (صاعدی شیرازی، ۴۴، ۵۳، ۱۰۰، ۲۰۱). کتاب *گلزار آصفیه* نیز، اهمیت زیادی درباره خوراک‌های آیینی مسلمانان و همچنین شیوه تهیه و پخت غذاها دارد. گزارشهای این کتاب بیشتر درباره برخی خوراک‌های آیینی مسلمانان چون شربت، حلیم، قورمه، شیربرنج و شیرخرما با اهمیت است (خانزمان خان، ۵۱۴، ۳۱۲، ۲۹۲-۵۷۵-۵۸۸). یکی از آثاری که به طور جامع گزارش‌های مهمی درباره پوشاک آیینی و غیرآیینی مسلمانان دارد، کتاب *رساله درباره آصفیه یا قانون درباره آصفیه*، نوشته منسارام خوشابی است. گزارش‌های او درباره این نوع پوشاک‌ها و قواعد لباس پوشیدن درباریان و وجود افرادی در دربار برای تعلیم کسانی که مقررات و آداب لباس پوشیدن را رعایت نمی‌کردند، اعتبار زیادی دارد (خوشابی، ۶-۷). یکی دیگر از نکات مهم کتاب وی، توجه به جنس، قیمت و مشخص کردن نوع پوشش مسلمانان، هندوان، طبقات فرودست و فرادست است. به گزارش وی «دستار» جزو پوشاک ثروتمندان، سلاطین و درباریان یا طبقه متوسط بود، «ازار چوریدار»، شلوارهایی با پاچه چین‌دار، جزو پوشاک‌های مشترک بین هندوان و مسلمانان بود. «دگلّه» از پوشاک‌های بالاتنه مردان مسلمان و نوعی کت آسترپنه‌ای بود که بیشتر امرا و درباریان در دربار یا هنگامی که به سفر می‌رفتند، در سرما و گرما از آن استفاده می‌کردند (خوشابی، ۱۳-۱۴، ۱۷۰).

نتیجه

برگزاری آیین‌ها و آداب و رسوم دینی و غیردینی رونق زیادی میان مسلمانان دکن داشت به گونه‌ای که سلاطین و امرا، هزینه‌های هنگفتی صرف برگزاری آن می‌کردند و جزئیات برگزاری آن نیز توسط مورخان که خود از علما و صاحب منصبان دربار بودند، ثبت شده‌است. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی تاریخ‌نگاری فارسی در دکن، در مقایسه با دیگر تواریخ فارسی هند، توجه بیش از حد مورخان به انعکاس جزئیات و جنبه‌های مختلف زندگی روزانه مسلمانان است. زندگی روزانه در گزارش‌های مورخان دکن بیشتر شامل آیین‌ها و آداب و رسوم ماه محرم چون برپایی تعزیه، مراسم لنگر، ذکر کارکردهای عاشورخانه‌ها و الاوه‌های مختلف به عنوان نهادی دینی در جامعه شیعیان،

برخی از جشن‌ها و اعیاد دینی و مذهبی مانند عید فطر، عید غدیر، میلاد حضرت علی علیه السلام، شب بَرات، خوراک و پوشاک و همچنین تفریحات و سرگرمی‌های رایج در منطقه دکن است. به نظر می‌رسد وجود گرایش‌های شیعی در میان برخی از مورخان دکن چون میرزا ابراهیم زبیری مولف *تاریخ بیجاپور*، نویسنده ناشناس کتاب *تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه* و صاعدی شیرازی مولف *حدیقه السلاطین قطبشاهی* نیز باعث شده که توجه زیادی به برگزاری آیین‌های شیعی مانند عید غدیر، میلاد حضرت علی علیه السلام، شب بَرات و آداب و رسوم ماه محرم، داشته باشند. در دوره آصف جاهیان نیز هر چند که همه سلاطین به جز میرعثمان علیخان آصف‌جاه هفتم اهل تسنن بودند، اما برگزاری آیین‌های مختلف شیعی از سوی آنها مورد حمایت قرار می‌گرفت و رونق بسیاری در حیدرآباد داشت. برخی از مورخان آن دوره چون خانزمان‌خان که دارای گرایش‌های شیعی بود، در کتاب خود فصول جداگانه‌ای را به محرم اختصاص داده است.

در گزارش‌های تواریخ فارسی دکن علاوه بر ترسیم جنبه‌های گوناگون زندگی روزانه مسلمانان، تا حدودی نیز به زندگی روزانه هندوهای دکن پرداخته شده است. در بسیاری از تواریخ فارسی دکن مانند کتاب *گلزار آصفیه* به آداب و رسوم و جشن‌های مختلف هندوها مانند جشن دیوالی پرداخته شده و حتی برخی از تواریخ فارسی تأثیر آداب و رسوم بومی و هندویی را بر آداب و رسوم مسلمانان به ویژه در برخی مراسم ماه محرم همچون مراسم لنگر و برخی اعیاد مانند عید غدیر و میلاد حضرت علی علیه السلام و شب بَرات نشان داده‌اند. همچنین در برخی از تواریخ فارسی، به تغذیه و پوشش زنان و مردان مسلمان و هندو توجه زیادی شده تا جایی که گاهی در برخی موارد به وجوه اشتراک و تفاوت بین خوراک و پوشاک مسلمانان با هندوان تصریح شده است.

منابع

- بلگرامی، سید علی اصغر، مآثر دکن: متضمن بر حالاتِ عمارت و آثار بلده حیدرآباد و مضافات بلده، کراچی، حافظ محمد حیدر میموریل اکیدمی، ۱۹۷۸.
- تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملک، به شماره میکروفیلم ۳۸۸۵.
- حیدرآبادی، تجلی علی شاه، تاریخ نظام‌شاهی = وقایع دکن، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۳۷۴۲.
- خانزمانخان، خواجه غلام حسین خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، به اهتمام محمد مهدی توسلی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۷ ش.
- خوشابی، منسارام، رساله دربار آصفیه یا قانون دربار آصفیه، به اهتمام سید حسین اصفهانی طباطبایی، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۸ ق/ ۱۸۹۰ م.
- خیشکی احمدی خورجوی، عبدالعلیم نصرالله خان، تاریخ دکن، چاپ سنگی، حیدرآباد دکن، بی تا.
- دفتر دیوانی و مال و ملکی سرکار عالی، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷.
- زبیری، میرزا ابراهیم، تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین، حیدرآباد دکن، ۱۳۱۰.
- صاعدی شیرازی، میرزا نظام الدین احمد، حدیقه السلاطین قطبشاهی، به تصحیح و تحشیه سید علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۱ م.
- عبدالجبار خان، محمد، محبوب الزمن تذکره شعرائی دکن، {حیدرآباد دکن}، ۱۳۲۹.
- معصومی، محسن، فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی دکن در دوره بهمنیان دکن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- یوسف حسین، منتخب وقائع دکن: سنه ۱۰۷۱ ق تا سنه ۱۰۸۱ ق، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۵۳ م.
- Hollister, John Norman., *The Shia of India*, Second edition, London, 1979.
- Howarth, Toby M., *the Twelver Shia as a Muslim Minority in India*, Rutledge, Landon and New York, 2005.
- Jaffur Shurreef., *Qanoon-e-Islam, or, the Customs of the Moosulmans of India: compromising a full and exact account of their various rites and*

ceremonies from the moment of birth till the hour of death, London 1832.

- Law, John, *Modern Hyderabad* (Deccan), Calcutta, 1914.
- Meer Hasan Ali., *Observation of the Mussulmauns of India: Descriptive of their Manners, Customs, Habits, and Religious opinions: made during twelve years residence in their immediate society*, London.
- Murdoch, John, *Hindu and Muhammadan Festival: Compiled from Wilson, Wilkins, Crooke, Sell, Hughes and other Writers*, Asian Educational Services, New Delhi & Madras, 1991.
- Naqvi, Sadiq., *Historical Perception: " Muharram Ceremonies among the Non-Muslims during the Qutb Shahi period"*, in *The Muharram Ceremonies among the non-Muslim of Andhra Pradesh*, Bab-ul-Ilm, Hyderabad, 2004.
- Naqvi, Sadiq., *Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs*, Bbab-ul-Ilm society, Hyderabad, 1993.
- Naqvi, Sadiq. *The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms*, New Delhi, 2003.
- ,Nazir Ahmad "Language and Literature-Persian", in *History of Medieval Deccan(1295-1724)*, editor H.K. Sherwani and Joshi, Andhra Pradesh, 1974.
- Rizvi, Sayid Athar Abbas., *A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shiis in India*, Marifat Publishing House, Australia, 1986.
- Sherwani, H. K., " The Qutb Shahis of Golkonda-Hyderabad", in *History of Medieval Deccan(1295-1724)*, editor H.K. Sherwani and Joshi, Andhra Pradesh, 1974.